

روابط سیاسی - نظامی و ثبات رژیمهای عربی در

منطقه*

چکیده

پرسش از علت استمرار حاکمیت در بعضی از کشورهای عربی منطقه، محور اصلی نوشتار حاضر را تشکیل می دهد. علت این امر نیز آن است که در بسیاری از این کشورها، استانداردهای سیاست دموکراتیک وجود ندارد با این حال رژیم های حاکم توانسته اند به حیات خود استمرار بخشند. فرضیه اصلی مؤلف آن است که، توازن سیاسی - نظامی، هسته اصلی سیاست این رژیمها را شکل می دهد. به عبارت دیگر، ثبات رهبری در این کشورها را باید وامدار قابلیت بالای نظامی آنها دانست. نویسنده در مقاله حاضر به بررسی و ارزیابی ریشه ها و لوازم ثبات و رهبری در رژیمهای عرب - به ویژه، مصر، اردن و سوریه - پرداخته و فرضیه خود را به آزمون گذارده است. تاریخ تحلیلی کشورهای پیش گفته، حکایت از آن دارد که ثبات موجود از جنس نظامی موجود از این حیث ضمن ظاهری فریبنده، در باطن شکننده و غیر قابل اتکاء - آن هم در عصر حاضر - می باشد. از این دیدگاه، بحران جانشینی خطری جدی برای این کشورها به شمار می آید و درک این موضوع برای کشوری چون ایران که در منطقه ای حضور دارد که از ارتباطی وثیق و جدی با کشورهای عربی برخوردار است، هم مهم و هم از حیث امنیتی، ارزشمند می نماید.

کلید واژه ها	فهرست
ثبات	196 مقدمه
سیاست	198 الف. ثبات رژیمهای عرب
اقتصاد	202 ب. نظارت و کنترل سیاسی و قابلیتهای نظامی
اردن	د. مشکله هایی که ثبات رژیمهای عرب را تهدید
مصر	204 می کند: بحران جانشینی رهبری
سوریه	204 نتیجه گیری
مشروعیت	210 یادداشتها
نظامی گری	

* این مقاله ترجمه و تلخیصی است از کتاب زیر:

مطابق استانداردهای امروزی، عمر طولانی بسیاری از رژیمهای عرب، امری شگفت انگیز می نماید. شاه حسین، یکی از انعطاف پذیرترین رهبران منطقه، در سال 1953 به قدرت رسید. حافظ اسد در سال 1970 رئیس جمهور سوریه شد و حسنی مبارک در 1981 به ریاست جمهوری مصر رسید. صدام حسین نیز مدت مدیدی است که بر اریکه قدرت تکیه زده است. [با توجه به ژئوپلتیک منطقه این موضوع می تواند برای کلیه تحلیلگران و به ویژه کشور ایران مهم و از جمله عوامل مؤثر در طراحی الگوی امنیتی این کشور می باشد].

تقریباً همه رژیمهای عربی فوق حداقل یک و اغلب بیش از یک تلاش برای کودتا را آزموده اند. گرچه شاید کودتا دیگر امری شایع نباشد، اما ارتش، نیروی کلیدی و رکن اصلی رژیمهای عرب به شمار می رود. (1)

از این رو حفظ وفاداری ارتش برای بقای این رژیمها ضروری است. باید گفت که شیوه های متعددی برای حفظ وفاداری نظامیان به کار گرفته می شود. از جمله این شیوه ها عبارتند از: افزایش حمایت غیر نظامیان، جلب نظر گروههای مذهبی، اجتماعی و اقتصادی؛ تلاش برای جلب حمایت فرماندهان ارشد و افسران رده های بالا از طریق امتیازات و پاداشهای فردی و جمعی؛ گماردن اعضای گروههای خاص - اقلیتهای ممتاز - به پستهای کلیدی در نیروهای مسلح، جلوگیری از تقویت قدرت افسران ارتش از طریق تصفیه و پاکسازی مخالفان بالقوه، انجام دادن مراقبتهای ویژه، تعویض فرماندهان و تأسیس سرویسهای مستقل امنیتی که مستقیماً با رئیس جمهور یا پادشاه در تماس هستند.

حضور گسترده اقلیتهای قبیله ای و مذهبی ارتش، شیوه اساسی حفظ کنترل نیروهای مسلح در عراق، اردن و سوریه بوده است. (2) اما در مصر، مشارکت ارتش در پروژه های عمرانی نظامی و غیر نظامی، وضع موجود را برای نظامیان مطلوب و سودآور ساخته است.

فرضیه اصلی این پژوهش این است که توازن سیاسی - نظامی هسته‌ی سیاست این رژیمها است. (3) نیاز رژیمهای عرب به حفظ کنترل سیاسی نیروهای مسلح، دو مسأله اساسی پیش روی ما می نهد: نخست، کاربرد شیوه های مذکور، اغلب آمادگی رزمی نیروهای مسلح را از بین می برد. دوم، این واقعیت که رژیمهای عرب در گذشته توانسته اند روابط سیاسی - نظامی موفقی را مدیریت کنند به این معنی نیست که در آینده نیز این روند ادامه خواهد یافت.

ثبات رهبر کشورها، در گرو قابلیت‌های نظامی متعارف آنها بوده است. رژیمهای عرب به ندرت توانایی نظامی خود را در میدان جنگ آزمایش کرده اند، زیرا شیوه هایی که این رژیمها برای تضمین وفاداری نظامیان به کار برده اند با اصول و قواعد یک نظامی کارآمد در تعارض است. ساختارهای فرماندهی تمرکزگرا، سیاست زدگی انتصابات در ارتش، فعالیتهای اقتصادی، خرید تجهیزات تشریفاتی به جای تسلیحات ضروری، قبیله گرایی و عشیره زدگی، همگی تواناییهای نظام نیروهای مسلح عرب را محدود کرده است.

این مقاله، ریشه ها و لوازم ثبات رهبری در رژیمهای عرب، به ویژه مصر، اردن و سوریه را بررسی می کند. این نظارت بر ارتش چگونه حفظ می شود؟ و آیا این شیوه همچنان ادامه خواهد یافت؟ پرسشهایی است که در این مقاله بدان خواهیم پرداخت. دوره های آشوب و افزایش نارضایتی اجتماعی ناشی از توزیع ناعادلانه منافع اصلاحات اقتصادی در مصر و ناخشنودی پس از مزایای خیالی صلح با اسرائیل در سال 1994 در اردن، موازنه حساس سیاسی - نظامی در این رژیمها را به هم زد.

بحران جانشینی رهبران بعضاً سالخورده و بیمار، موازنه سیاسی نظامی این رژیم را با مشکل ویژه ای رو به رو می سازد. توانایی رهبران جدید در جهت کسب و حفظ پایگاه اجتماعی، انتصاب هواداران نزدیک به مشاغل حساس، کنار گذاردن جناحهای رقیب و تأمین رفاه نیروهای مسلح و منافع خصوصی افسران ارشد، عامل اساسی تثبیت قدرت آنها خواهد بود.

الف - ثبات رژیمهای عرب

نخستین موج کودتای نظامی در خاورمیانه با استقلال بسیاری از کشورهای عرب پس از جنگ جهانی دوم مصادف شد. در سال 1949، تنها سه سال پس از استقلال، سوریه سه کودتا را به خود دید تا این که حافظ اسد در 1970 به قدرت رسید. در سال 1952، پادشاهی در مصر منقرض شد. در فاصله سالهای 1969 و 1961، 27 کودتا و یا تلاش برای آن در 9 کشور عربی روی داده است. مداخله مستمر افسران ارتش در زندگی سیاسی کشورهایشان بارزترین ویژگی سیمای تاریخی عربها در این ناحیه است.

پس از 1970، روابط سیاسی - نظامی رژیمهای عرب نسبتاً آرام بوده است و بیشتر توطئه‌ها خنثی شده است. شاه حسین، مبارک و اسد به گونه ای ماهرانه، روابط خود با ارتشهایشان را مدیریت کرده اند. شاه حسین با گذاردن افسران بومی اردنی در سمتهای فرماندهی موقعیت خود را استوار ساخت. وی در سال 1957 تلاش افسران چپ به رهبری علی ابونوار جهت کودتا را ناکام گذارد. به هنگام سرکوب رزمندگان فلسطین در 1970، با مخالفت شدید برخی نظامیان مواجه شد؛ اما هیچ یک از این اقدامات به یک اعتراض گسترده نظامی منجر نگردید.

مصر از جمله معدود کشورهای است که انتقال قدرت در آن بدون کودتا صورت گرفته است؛ از جمالی عبدالناصر به انورسادات و از سادات به مبارک در 1981. با این همه از زمان کودتای 1952 در مقابل سلطان فاروق که افسران آزاد را به قدرت رساند، این گروه نوبنیاد با روشهای اعتراض آمیزی مواجه بوده است. جدی ترین مشکل داخلی مصر از دهه 1970، از ناحیه بنیادگرایان اسلامی بوده است که خواستار ایجاد حکمته برپایه اصول اسلامی هستند. هرچند گمانهایی مبنی بر مشارکت عناصر بنیادین نظامی در ترور سادات به سال 1981 وجود دارد، اما این گروه عمدتاً خارج از ساختار رسمی دولت فعالیت می کنند. در سوریه، به دنبال کودتاهای متعدد پس از استقلال، در دهه 1960 سیاست حزب بحث منجر به پاکسازی مسلمانان سنی و سایر اقلیتها در تشکیلات سیاسی و نظامی شد؛ پس از 1966 جنگ قدرت میان حافظ اسد و رقیب او در حزب بحث یعنی صلاح جدید به کنار گذاردن وی از قدرت در سال 1969 انجامید و سرانجام در نوامبر 1970 اسد قدرت را به دست گرفت.

احتمالاً نیرومندترین مشکل مقابل رژیم حافظ اسد، از ناحیه برادرش الرفائیه بود که یک واحد قدرتمند مشتمل بر 35000 تا 55000 نیروی صلح را در اختیار داشت و

نقشی اساسی در سرکوبی مخالفان اسلام گرا در دهه های 1980 و 1970 ایفا کرد. بدون مشارکت فعال یا حداقل همراهی فرماندهان ارتش، هیچ حکومت عربی نمی تواند بر سریر قدرت باقی بماند.

گرچه میزان آزادی سیاسی در میان دولتهای عربی متفاوت است، اما هیچ یک از رژیمهای عرب کاملاً دموکراتیک نیستند؛ پایه نظم اساسی در این ممالک بر اجبار و نه رضایت شهروندان مبتنی است. (4) برای نمونه، سازمانهای حقوق بشر مرتباً برخی از این کشورها را به خاطر نقض آزادیهای فردی و سیاسی تکیح می کنند. (5)

1 - حفظ قدرت

تضمین اعمال نظارت سیاسی بر ارتش مستلزم محروم ساختن نظامیان از ابزارها و انگیزههای رویارویی با رژیم است. (6) رهبران رژیمهای عرب مجموعه ای از اقدامات تبیینی و تشویقی را در جهت بهره مندی نیروهای مسلح از وضع موجود و بالا بردن خطر و هزینه های کودتا، انجام می دهند. علیرغم تنوع در روشها، عموماً رهبران سیاسی به چهار طریق نظارت خود را بر نیروهای مسلح اعمال و حفظ می نمایند: نخست، آنها با جلب نظر گروههای اقتصادی، اجتماعی و مذهبی پشتوانه غیر نظامی خود را تقویت می کنند. این امر اتکای رژیمها را به نیروهای مسلح و در نتیجه نفوذ سیاسی آنها را کاهش می دهد. دوم، اعطای امتیازات شخصی و عمومی به فرماندهان رده بالا و افسران ارشد و جلب نظر مساعد آنها. سوم، اعضای گروههای خاص را به سمتهای کلیدی در ارتش می گمارند. این گروهها اغلب اقلیتهای ممتاز هستند که منافع و علایق آنها با منافع رژیمهای سیاسی همسو است.

چهارم، رهبران عرب، شیوه های متعددی به کار می برند تا مانع ایجاد پایگاههای قدرت به دست مخالفان جاه طلب خود شوند؛ این شیوه عبارتند از، تعویض متناوب مناصب فرماندهی، اعمال مراقبت و نظارت وسیع و پاکسازیهای گسترده در ارتش. (7)

2 - گسترش پایگاههای اجتماعی رژیمهای عرب

منافع اقتصادی، اقلیتهای مذهبی، گروههای قومی و قبیله ای، تشکیلات حزبی، پشتیبانی مردمی یا توده ای و حتی حمایت سازمانهای بین المللی و حکومتها، می توانند

عناصر مهمی در تثبیت پایه های اجتماعی رژیمهای عرب باشند. در سوریه حافظ اسد با انجام دادن اصلاحاتی محدود، اعطای آزادی مدنی محدود و تأسیس پارلمان، دست یازیدن به سوسیالیسم (8)، اتحاد با بورژوازی دمشق و رشد اقتصادی، مشروعیت مردمی را افزایش داد. (9)

منافع اقتصادی نقش مهمی در شکل گیری روابط سیاسی - اقتصادی در مصر ایفا می کند. ملی کردن صنایع خصوصی و بخش مالی در دهه 1960 به دست ناصر نفوذ سرمایه خصوصی را در رژیم تضعیف کرد. اصلاحات اقتصادی به دنبال جنگ 1967، که در دهه 1970 سادات پی گرفت، نیروی تازه ای به سرمایه داران شهری مصر بخشید. سیاست درهای باز در سال 1974 و رشد منافع تجاری و مالی در مصر، مشروعیت اجتماعی این رژیم را افزایش داد. رشد بخش عمومی و خدمات به حدی بود که در فاصله سالهای 1975 - 1978 بیش از 4 میلیون نفر به جمع حقوق بگیران دولت اضافه شد. به گونه ای که پس قدرت یابی حسنی مبارک، او عملاً وارث سیاستهای متناقض و یک پایگاه اجتماعی شده بود که بازتاب آن عبارت بودند از: یک نیمه اشرافیگری احیاء شده، بورژوازی دولتی و طبقات تجاری و مالی. وی با اجرای برنامه صندوق بین المللی پول، زمینه را برای رونق یافتن منافع تجاری طبقه متوسط فراهم آورد. (10) توسعه بخش خصوصی و طبقه متوسط، اصلاحات اقتصادی دهه 90، کاهش تورم تا سطح 4٪، و رشد تولید ناخالص داخلی به میزان 5٪، به مبارک اجازه داد که خودش را از تشکیلات امنیتی دور سازد و این مسأله تهدیدی برای نظامیان تلقی می شد.

در اردن، شاه حسین از فرصتهای استخدام افراد در دولت جهت ایجاد و گسترش یک طبقه حقوق بگیر که وابسته به رژیم باشند، استفاده کرده است. علیرغم وجود اقتصاد بازار آزاد، بخش عمومی حدود 50٪ نیرویی کار را در اختیار دارد که حدود 150,000 در بخش غیر نظامی و همین تعداد در بخش نظامی فعال هستند. (11)

شاه حسین بر خلاف همتایان مصری و سوری اش، با مخالفان اسلامی روابطی دوستانه دارد به گونه ای که در سال 1989، جبهه عمل اسلامی اردن امتیاز تأسیس حزب سیاسی را به دست آورد و در انتخاب پارلمانی سال بعد اکثر کرسیهای مخالفان و پنج وزارتخانه را نیز تصاحب کرد. (12) شاه حسین کوشیده است منافع و رضایت مهاجران فلسطینی را که پس از جنگ 1967 از بخش غربی رود اردن به این کشور پناهنده شده اند، [تا حدودی] تأمین کند.

3- خدمات رسانی و تأمین آسایش و رفاه نظامیان

اسد، مبارک و شاه حسین مراقب دغدغه های فردی و جمعی فرماندهان ارشد و افسران خود هستند. تأمین منافع فردی نظامیان وضع موجود را برای آنها مطلوب می سازد و این امر موجب خودمختاری و استقلال گسترده رژیم می گردد. نیازهای ارتش به دو بخش می شوند: منافع مشترک شامل بودجه های نظامی نسبتاً زیاد، عرضه تسلیحات و سایر پاداشهای مادی و معنوی؛ و منافع خصوصی که به اعضای رده های بالای فرماندهی یا افسران ارشد اختصاص دارد. برخورداری از مسکن ارزان، مواد غذایی و کالاهای اساسی یارانه ای، تسهیلات بهداشتی و آموزشی ویژه، از جمله منابع خصوصی به شمار می روند. چنان که پس از جنگ ایران و عراق، صدام حسین به افسران ارشد ارتش تسهیلاتی مانند اتومبیل ارزان و تسهیلات ورود نیروهای مسلح به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی اعطاء کرده است. (13)

نظامیان مصری نیز در فعالیتهای اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، گردشگری و ساختمانی شرکت می کنند و از این رهگذر به منافع سرشاری دست می یابند. صنایع تسلیحاتی مصر، که در جهان عرب یگانه است، جزء ضروری فعالیتهای اقتصادی ارتش محسوب می شود. حدود 30 شرکت و کارخانه و 100000 کارگر در تولید مهمات توپخانه و تجهیزات زرهی سهمیم هستند. (14)

خاورمیانه بزرگترین بازار جنگ افزار در جهان به شمار می رود به طوری که ارزش حاصل از فروش مستقیم تسلیحات پیشرفته در سال 97 به 17 میلیارد دلار یعنی 34٪ کل بازار جهانی اسلحه، بالغ می شود. در این میان ژنرالهای ارتش مصر از محل خرید تجهیزات هواپیماهای جنگی از سوی آمریکا، سود سرشاری نصیب خود می سازند. بعلاوه کمک نظامی خارجی می تواند نقش مؤثری در ثبات رژیمهای عرب داشته باشد. زیرا کمکها رفع نیازهای تسلیحاتی ارتش را تسهیل می کند. تذکر این مطلب نیز مفید است که شرکت مصر در تمرینات ستاره درخشان با آمریکا که هر دو سال یکبار انجام می شود نقش مؤثری در تأمین نیازهای نظامیان و تحکیم ثبات این رژیم دارد.

4- تضمین حمایت ارتش، مدیریت ارتش و تصفیه نیروهای مسلح

در سوریه حافظ اسد بر اقلیت شیعیان علوی متکی است؛ در اردن شاه حسین افراد قبائل ساحل شرقی رود اردن را به مناصب کلیدی می گمارد؛ در عراق، صدام حسین بر

اقلیت سنی متکی است که، 32 تا 37٪ جمعیت این کشور را تشکیل می دهند. با این همه، پیوندهای شخصی تا خانوادگی فرماندهان ارتش با رهبران سیاسی، تضمین کننده وفاداری آنها نیست.

رهبران سیاسی در جهان عرب با برکناری عناصر نامطلوب از طریق پاکسازی، توسعه سرویسهای اطلاعاتی جهت تأمین امنیت داخلی و ایجاد نهادهایی به منظور تنظیم عملیات نظامی؛ نظارت خود را بر ارتش اعمال و حفظ می کنند.

5 - توسعه سرویسهای نظامی ویژه

توسعه نهادهای اطلاعاتی و نظامی جهت تأمین امنیت داخلی، شیوه ای دیگر برای مقابله با دخالت نظامیان در سیاست است. سازمانهایی مانند گارد پادشاهی اردن، گارد ریاست جمهوری مصر و استخبارات عراق از جمله این نهادها هستند. (15)

این سازمانهای امنیتی و جاسوسی به طور کلی 5 وظیفه اصلی دارند که عبارتند از: مراقبت، خبرگیری و کنترل فعالیتهای ارتش و سایر گروههای مخالف، دستگیری و بازجویی از افراد مظنون به فعالیتهای ضد رژیم.

ب - نظارت و کنترل سیاسی بر قابلیتهای نظامی

جهان عرب گسترده ترین و گرانترین ارتشهای جهان را در اختیار دارد. اما، این نیروها به ندرت تواناییهای خود را در میدان جنگ به نمایش گذاشته اند. در 1948، نیروهای مسلح اعراب در مقابل اسرائیل بسیار ضعیف ظاهر شدند. در جنگ 1967 میان مصر و اسرائیل، مصر مجبور به عقب نشینی از صحرای سینا شد. عراق نیز تنها توان نظامی خود را در آخرین مراحل جنگ با ایران در دهه 80 اثبات کرد، ولی شکست سنگین این کشور در سال 1991 در جنگ خلیج فارس، ضعف تواناییهای نظامی این کشور را نمایان ساخت. (16)

این ضعف ساختاری ارتش در کشورهای عرب عوامل متعددی دارد که عبارتند از: مشکلات مربوط به تأمین بودجه، محدودیتهای فردی نظامیان ناشی از سطح سواد و تسهیلات پایین، مشکلات مربوط به جذب فناوریهای جدید نظامی، آموزش ضعیف، تکنولوژی درجه دوم، عرضه نامنظم قطعات یدکی و سیستمهای پشتیبانی تسلیحات،

توسعه صنعتی محدود و فقدان روحیه حفاظتی.¹

تمرکز قدرت در سطوح بالا، مسؤولان رده های پایین تر را از استقلال و ارتباط با سلسله مراتب فرماندهی محروم می کند که این امر پیامدهای منفی بر عملکرد آموزشی و عملیاتی نظامیان بر جای می گذارد. مشکلات ناشی از انعطاف ناپذیری فرماندهان، عامل اصلی شکست مصر در جنگ 1967 با اسرائیل بود. در جنگ 1973 علیرغم شکست و عقب نشینی اسرائیل از کانال سوئز، زمانی که ارتش اسرائیل خط دفاعی اعراب را در هفته دوم جنگ در هم شکست، ممانعت فرماندهان از رسیدن اطلاعات صحیح و در نتیجه تعلل در تصمیم گیری باعث نابودی سپاه سوم مصر در منطقه کانال شد.

در سوریه، نبود انعطاف پذیری و سرعت واکنشی در سطوح بالای فرماندهی در جنگ 1973 با اسرائیل و در مناقشه لبنان در سال 1982، کاملاً مشهود بود. معیارهای گزینش فرماندهان بر اساس وفاداری سیاسی به رژیم، انتصاب فرماندهان نظامی را با تنگنا مواجه می کند؛ زیرا اغلب فرماندهان دارای تواناییهای نظامی و صلاحیتهای فرماندهی نیستند. فرقه گرای و گرایشهای قبیله ای به منزله معیار انتصابات در ارتش، رژیمهای عرب را از داشتن نیروهای انسانی قوی و کارآمد محروم می کند.

مداخله نظامیان در فعالیتهای اقتصادی و تجاری نیز به کار تخصصی و حرفه ای آنان آسیب می رساند. در مصر تأثیرات منفی کار تجاری نظامیان بر آموزش، آمادگی رزمی و نظم ارتش با تفکیک نیروهای فعال در بخشهای اقتصادی وزارت دفاع از واحدها و یگانهای رزمی، کاهش می یابد. ورود نیروهای سوری مستقر در لبنان به فعالیتهای بازار سیاه و رشوه، نگرانیهایی درباره آمادگی نظامی در میان 4000 - 35000 نیروی مسلح سوری، برانگیخته است.

در مجموع، فقدان ساز و کارهای قانونی موجب رواج تنگ نظریهای دیوان سالارانه و ابهام در تصمیمات مؤثر بر تجهیز و تدارکات ارتش در این رژیمها می شود. اکنون این رژیمها با معضل تعارض میان ضرورت کنترل سیاسی از یکسو. کارایی ارتش از سوی دیگر رو به رو هستند. دو عامل موقعیت این رژیمها را در مقابل نظامیان تقویت می کند و آنها را قادر به انجام دادن اصلاحات در ارتش می سازد: ارتقای بی سابقه پایگاه مردمی رژیم، یا همکاری گروههای ذی نفع و حذف جناحهای قدرتمند سیاسی در ارتش؛

ج - مشکله هایی که ثبات رژیمهای عرب را تهدید می کند: بحران جانشینی

جانشینی یکی از جدی ترین تهدیدهایی است که ثبات رژیمهای سیاسی در جهان عرب را به مخاطره می اندازد. در سال 1991 پس از جنگ خلیج [فارس]، عواقب حذف صدام به طور جدی بررسی گردید و تجزیه عراق و جنگ داخلی و تبعات احتمالی حذف صدام مطرح بود. مسأله جانشین عرفات، ادامه روند صلح خاورمیانه را در حاله ای از ابهام فرو برده است. در مصر ارتش نقش کلیدی در انتخاب جانشین مبارک ایفا خواهد کرد و لذا اصلاحات اقتصادی در مصر نگرانیهایی را درباره آشوبهای اجتماعی احتمالی در خلال دوره تغییر رهبری برانگیخته است. در سوریه، شکل رهبری پس از حافظ اسد بستگی به این دارد که چگونه ارتش رژیم سوریه و عناصر و نهادهای مدنی و غیر نظامی این کشور با یکدیگر به توافق برسند. نفوذ اسلام گرایان در نیروهای مسلح مصر می تواند نقش مهمی در آینده مبهم جانشین رهبری سیاسی در این کشور ایفا کند.

جانشین رهبری در سوریه، مصر و اردن، سیاست داخلی این کشورها را دچار تغییرات بنیادی می کند. به طوری که پیامدهای آن در خارج این کشورها نیز احساس خواهد شد. به لحاظ تاریخی، تغییرات داخلی در یک کشور خاورمیانه، تعاملات راهبردی در میان دولتهای منطقه را متحول ساخته است. به ویژه موقعیت ژئواستراتژیک اردن، دولتهای اروپایی را نیز به انتقال آرام قدرت در اردن علاقه مند و حساس کرده است. علاوه بر اینها، ماهیت رژیمهای آینده سوریه، مصر و اردن سرنوشت صلح اعراب و اسرائیل را نیز رقم خواهد زد. امکان جنگ داخلی در سوریه و عراق یا اردن، را نیز نمی توان نادیده گرفت، زیرا تعارض منافع اقلیتهای حاکم با اکثریت مردم، زمینه بروز بحران در دوره انتقال قدرت را فراهم می کند.

نتیجه گیری

اشاره شد که از حیث انجام گرفتن کودتا و ضد کودتا، جهان عرب از سالهای آغازین دهه 1970 شاهد ثبات در رهبری بوده است. در مصر کنترل سیاسی از طریق تأمین منافع نظامیان، مراقبتهای سازمان یافته مانند تعویض فرماندهان، اعمال و حفظ شده است. در اردن روابط قبیله ای زیر بنای تثبیت کنترل سیاسی ارتش بوده است. به علاوه، شاه حسین با مدیریت روابط نظام مند با سازمانهای آزادیبخش فلسطین، رضایت

فلسطینیان مهاجر را نیز جلب کرده است. اسد، رژیم خود را بر پایه اقلیت علوی استوار ساخته است؛ در حالی که تشکیلات امنیتی گسترده در سوریه مانع گسترش نارضایتیهای طبقاتی، قومی و ایدئولوژیک در ارتش می‌شود. اسد همواره به ضرورت حفظ رضایت اکثریت سنی در حزب بعث و گسترش منافع تجاری ناشی از اصلاحات اقتصادی آگاه بوده است. سرانجام، صدام حسین با ایجاد چندین سازمان امنیتی که به منظور مقابله با توطئه‌های براندازی رژیم پدید آمده است، نظارت شدید خود را بر ارتش حفظ می‌کند. تعویض پی در پی و تصفیه و اخراج و اجرای مجازاتهای شدید در برابر متمردان، همه نظامیان را از اندیشه هرگونه اقدام کودتایی یا شورش بر ضد رژیم، بر حذر داشته است. همزمان، صدام تلاش کرده است با گسترش شبکه قبیله‌اش و حفظ حزب بعث به مثابه محور اصلی حامی رژیم، موقعیت خود را تثبیت کند.

این واقعیت که رژیمهای عرب به گونه‌ای توفیق آمیز روابط سیاسی - نظامی را مدیریت می‌کنند، ضرورتاً به معنی کاهش نیروی ارتش نیست. نیروهای مسلح کماکان قدرتمند باقی می‌مانند. بنابراین یک تنش ذاتی و تعارض ماهوی میان حفظ امنیت داخلی و تشویق اصلاحات سیاسی و اقتصادی چشمگیر و گسترده وجود دارد.

اعطای آزادیهای محدود اقتصادی تحت شرایط موجود امکان پذیر است، و به درجات مختلف در مصر، سوریه و اردن دنبال می‌شود، اما، اصلاحات فراگیر بازرگانی، به ویژه وقتی با کاهش هزینه‌های تسلیحاتی، کاهش مزایای افسران ارتش، ایجاد مسئولیت قانونی یا ضرورت شفافیت در فعالیت‌های نظامی، حقوق ویژه و انحصاری نظامیان را تهدید کند، ناپایدار خواهد بود. در سایر موارد مشابه نیز، اعطای آزادیهای سیاسی فقط تا آن جا امکان پذیر است که حقوق ویژه مالی و اداری نظامیان را به مبارزه فرا نخواند. از این رو، ثبات در کوتاه مدت به بهای تحول اقتصادی و سیاسی این رژیمها در دراز مدت تمام خواهد شد.

روابط سیاسی - نظامی محور اصلی جانشینهای قریب الوقوع رهبران کشورهای مهم عرب خواهد بود. ابهاماتی که در مورد جانشینی رهبران عرب وجود دارد فرصتهایی برای تغییر و تحول عمیق در رهبری این کشورها پدید می‌آورد. کشورهای خارجی می‌توانند در این فرآیند مشارکت کرده و رهبران جدید را در تأمین و تثبیت موقعیتشان یاری برسانند، حمایتها و کمکهای بین المللی نیز می‌تواند پشتوانه اجتماعی رهبران جدید را استوار سازد و به تشکیلات حیاتی رژیم مانند ارتش خدمات عرضه کند. با

کمک به تأمین منافع جمعی نیروهای مسلح، کمکهای نظامی می تواند راه تثبیت قدرت رهبران جدید را هموار سازد.

و سرانجام، جانشینی رهبری در کشورهای کلیدی جهان عرب می تواند به آرامی، با حداقل نزاع و درگیریهایی که لازمه این رژیمهاست، همراه باشد. اما در عین حال انقلاب افسران آزاد در مصر در دهه 1950، انقراض پادشاهی هاشمی در عراق در 1958، و تولد رژیم جمهوری اسلامی ایران در سال 1979، روابط میان دولتهای منطقه و سایر مناطق جهان را دچار تحول بنیادی کرده است.

راهبردهایی که این رژیمها در دهه 1990 به کار برده اند برای تأمین کنترل سیاسی بر ارتش ضروری است و زیر بنای ثبات رژیمهای معاصر عرب به شمار می رود. اما حفظ این نظارت فرآیندی مستمر است، و موفقیتهای گذشته ثبات آینده را تضمین نمی کند. یک اختلال در پایگاه اجتماعی رهبری، شکست در مقابله با توطئه در ارتش و تحول سیاسی یا اقتصادی که تهدید کننده حقوق انحصاری ارتش باشد، می تواند تعادل در روابط سیاسی - نظامی را مختل سازد. رضایت خاطر بیگانگان از ثبات فعلی این رژیمها، موجب می شود که نسبت به چشم انداز واقعی تغییر در این کشورها، آمادگی نداشته باشند.

جدول شماره ۱: هزینه نظامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، ۱۹۹۷، ۱۹۹۶، ۱۹۸۵

نام کشور	هزینه نظامی (میلیون دلار آمریکا ۱۹۹۷)			درصد تولید ناخالص ملی (GDP)		
	سال	۱۹۸۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۸۵	۱۹۹۶
الجزایر	۱۳۵۷	۱۸۴۰	۲۱۱۴	۱/۷	۴/۰	۴/۶
بحرین	۲۱۵	۲۹۵	۳۶۴	۳/۵	۵/۴	۶/۵
مصر	۳۶۷۹	۲۷۴۲	۲۷۴۳	۷/۲	۴/۵	۴/۲
ایران	۲۰۲۵۸	۳۴۴۲	۴۶۹۵	۳۶/-	۵	۶/۶
عراق	۱۸۳۲۸	۱۲۷۷	۱۲۵۰	۲۵/۹	۸/۳	۷/۴
اردن	۸۵۷	۴۶۱	۴۹۶	۱۵/۹	۶/۴	۶/۴
کویت	۲۵۵۸	۳۹۷۳	۳۶۱۸	۹/۱	۱۲/۵	۱۱/۴
لبنان	۲۸۵	۴۹۴	۶۷۶	۹	۳/۷	۴/۵
لیبی	۱۹۲۳	۱۳۲۷	۱۲۵۰	۶/۲	۵/۱	۴/۷
مراکش	۹۱۳	۱۴۳۱	۱۳۸۶	۵/۴	۳/۸	۴/۲
عمان	۳۰۷۲	۱۹۵۷	۱۸۱۵	۲۰/۸	۱۲/۵	۱۰/۹
قطر	۴۲۷	۷۷۲	۱۳۴۶	۶	۸/۹	۱۳/۷
عربستان سعودی	۲۵۵۸۵	۱۷۷۳۰	۱۸۱۵۱	۱۹/۶	۱۲/۷	۱۲/۴
سوریه	۴۹۶۱	۲۱۳۲	۲۲۱۷	۱۶/۴	۶/۴	۶/۳
تونس	۵۹۴	۴۰۶	۳۳۴	۵	۲	۱/۸
امارات عربی متحده	۲۹۱۰	۲۱۱۵	۲۴۲۴	۷/۶	۵/۲	۵/۵
یمن	۶۹۶	۳۶۹	۴۰۳	۹/۹	۷/۲	۷/-

یادآوری: در سال ۱۹۹۷، متوسط هزینه نظامی برای منطقه، شامل اسرائیل و موریتانی، معادل ۰/۶/۹٪ تولید ناخالص داخلی برآورد شده است. در مقایسه با هزینه نظامی ناتو که ۲/۲٪ مجموع تولید ناخالص ملی کل کشورهای عضو را شامل می‌شود؛ شرق آسیا و استرالیا، ۴/۷٪ و هزینه‌های نظامی آسیای مرکزی و جنوبی ۴/۹٪ تولید ناخالص ملی این کشورها بوده است. متوسط جهانی هزینه نظامی در سال ۱۹۹۷، ۲/۷٪ تولید ناخالص ملی بود.

Source: *The Military Balance, 1998/99* (Oxford, Oxford University Press For The IISS, 1998), pp. 296, 300.

جدول شماره ۲: ارزش تسلیحات تحویل شده^۱ به خاورمیانه، ۱۹۸۷، ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷

کشور	سال	۱۹۸۷	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
مصر	۲/۴۲۰	۱/۲۳۴	۱/۵۳۱	۱/۲۸۳	۱/۹۸۲	۱/۶۶۹	۱۱۰۰	
ایران	۲۲۹۵	۹۵۳	۱۲۰۳	۴۱۷	۵۲۳	۴۱۷	۸۰۰	
عراق	۷۹۶۵	n.a	-	-	-	-	-	
کویت	۲۷۰	۱۰۹۴	۱۰۱۲	۸۶۴	۹۳۹	۱۰۸۱	۷۰۰	
لیبی	۸۱۰	۹۰	۸۳	۸۳	۸۳	۸۳	۱۰۴	
عربستان سعودی	۹۷۲۸	۱۰۸۱۵	۸۷۲۸	۷۷۶۹	۹۰۳۲	۹۴۳۹	۱۱۰۰۱	
سوریه	۲۷۰۰	۴۲۷	۲۹۵	۱۳۷	۱۷۷	۹۴	۱۰۴	
امارات متحده عربی	۱۸۹	۳۸۲	۵۰۳	۴۲۸	۹۱۳	۶۷۸	۶۲۶	

جدول ۳: سفارش و دستیابی به تسلیحات در مصر، اردن و سوریه

کشورهای تأمین‌کننده سلاح	نوع اسلحه	مدل (عنوان)	تعداد	تاریخ سفارش	تاریخ تحویل
آمریکا	جنگنده	اف ۱۶ سی/دی	۱۶	۱۹۹۱	۱۹۹۴
آمریکا	جنگنده	اف ۱۶ سی/دی	۲۱	۱۹۹۶	۱۹۹۹
آمریکا	کشتی بیسارستانی	AH-648	۳۶	۱۹۹۰	۱۹۹۴
آمریکا	چرخ‌بال	VH-60L	۲	۱۹۹۵	۱۹۹۸
آمریکا	چرخ‌بال	CH-47D	۴	۱۹۹۷	۱۹۹۹
آمریکا	ناو محافظ	bH-Perry	۳	۱۹۹۷	۱۹۹۷
آمریکا	چرخ‌بال	SH-ZG	۱۰	۱۹۹۴	۱۹۹۷
آمریکا	تانک جنگی	ام‌پک - ای‌پک	۵۵۵	۱۹۸۸	۱۹۹۳
آمریکا	ناو محافظ	knox	۴	۱۹۹۷	
آمریکا	تانک جنگی	ام‌پک - ای‌پک	۸۰	۱۹۹۶	۱۹۹۹
سوئیس	نفربر زرهی	ZPR-765	۶۱۱	۱۹۹۵	۱۹۹۶
سفارش داخلی	نفربر پرستل زرهی	الاحبار	-	۱۹۹۸	-

جدول شماره ۴: سفارش و دستیابی به تسلیحات در مصر، اردن و سوریه

کشورهای تأمین‌کننده سلاح	نوع اسلحه	مدل (عنوان)	تعداد	تاریخ سفارش	تاریخ تحویل
آمریکا	توپخانه	اس پی ۱۲۲	۲۴	-	۱۹۹۸
آمریکا	موشک زمین‌به‌هوا	آنجر	۵۰	۱۹۹۸	-
آمریکا	نفربر زرهی	ام - ۱۱۳	۳۷۸	۱۹۹۵	۱۹۹۷
آمریکا	جنگنده	اف - ۱۶ ای/بی	۱۶	۱۹۹۵	۱۹۹۷
آمریکا	هوابیسی حمل و نقل تجهیزات نظامی	سی - ۱۳۰ اچ	۱		۱۹۹۷
آمریکا	چرخبال	VII-60L	۴	۱۹۹۵	۱۹۹۸
آمریکا	چرخبال تاکتیکی	VII-1H	۱۸		۱۹۹۶
آمریکا	تانک جنگی	ام - ۱۶۰ ۳	۵۰		۱۹۹۶
آمریکا	تانک جنگی	ام - ۱۶۰ ۳	۳۸		۱۹۹۸
آمریکا	توپخانه	۲۳ میلی متری	۱۸		۱۹۹۸
چین	موشک‌کامپوزیت زمین به زمین	ام - ۹			۱۹۹۷
اوکراین	تانک جنگی	تی - ۵۵ ام‌وی	۲۰۰	۱۹۹۵	۱۹۹۷

Source: The Military Balance, 1998/99, pp. 119-21

جدول شماره ۵: تعداد نفرات نیروهای نظامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، ۱۹۹۷
برحسب هزار (۱۰۰۰)

کشور	نیروی فعال	نیروی ذخیره	شبه نظامی	جمع کل	درصد جمعیت مردان (بین سنین ۱۸ تا ۳۳ سال)
الجزایر	۱۲۴	۱۵۰	۱۴۶/۲	۴۲۰/۲	۱۱٪
بحرین	۱۱	n.a	۹/۹	۲۰/۹	۳۳
مصر	۴۵۰	۲۵۴	۲۳۰	۹۳۴	۱۲
ایران	۵۱۸	۳۵۰	۳۵۰	۱/۲۱۸	۱۴
عراق	۳۸۷/۵	۶۵۰	۵۵/۴	۱۰۹۲/۹	۳۷
اردن	۱۰۴	۳۵	۳۰	۱۶۹	۲۵
کویت	۱۵/۳	۲۳/۷	۵	۴۴	۱۹
لبنان	۵۵/۱	n.a	۱۸/۵	۷۳/۶	۱۳
لیبی	۶۵	۴۰	۰/۵	۱۰۵/۵	۱۴
مراکش	۱۹۶/۳	۱۵۰	۴۲	۳۸۸/۳	۱۰
عمان	۴۳/۵	-	۴/۴	۴۷/۹	۲۰
قطر	۱۱/۸	-	-	۱۱/۸	۲۱
عربستان سعودی	۱۶۲/۵	-	۱۵/۵	۱۷۸	۷
سوریه	۳۲۰	۵۰۰	۸	۸۲۸	۴۲
تونس	۳۵	-	۱۲	۴۷	۴
امارات متحده عربی	۶۴/۵	-	۱/-	۶۵/۵	۳۰
یمن	۶۴/۳	۴۰	۸	۱۸۶/۳	۹

توجه: جمعیت مورد نظر افرادی را که دارای ملیت آن کشور هستند و نیز آنها که ملیت آن کشور را ندارند، در برمی‌گیرد.

Source: The Military Balance, 1998/99, p. 269.

یادداشتها

1-Be'eri, "The Waning of the Military Coup in Arab Politics", p.69,80.

2-Seale, Patrick, *Asad: The Struggle for the Middle East*, Berkeley, CA: University of California Press, 1988, P.333.

3-See: Van Dam, Nikolas, *The Struggle for Power in Syria: Politics and Society Under Asad At The B'aath Party*, Third Edition, London, I.B.Tauris, 1996, pp. 119-20.

4-See: Negus, Steve, "The press goes too far", *Middle East International*, 24 (October)1997, pp.10-11; Caster, John, "In egypt, testing press freedoms can provoke official backlash", *Washington Post*, 8 (October)1997; Negus, Steve, " Mubarak's press dilemma", *Middle East International*, 13 (March) 1998.

5-Amnesty International Report 1998, London, Amnesty International Publications, 1998, and: *Freedom In The World, 1995-1996*, New York, Freedom House, 1996,pp.443-45.

6-Finer, Samuel, *The man on Horseback: The Role of The Military in Politics*, Boulder, Co. West View Press, 1988; and, Poman Kol Kowicz and Andrzej Korbonski (eds), *Soldiers, Peasants and Bureaucrats*, London, George Aleen and Unwin, 1982; and: Samuel P.Hantington, *The Soldier and The State*, Harvard, MA: Belknap, 1957.

7-Wak, Edwaed Lutt, *Coup D'Etat*, Cambridge, MA.Harvard University Press, 1980; and; Bruce far Cau, *The Coup: Tactics in the Seizure of Power*, West Port, CT.Praeger, 1994.

8-Perthes, Volker, "Stages of Economic and political Liberalization", in: Eberhard Kienle (ed), *Contemporary Syria: Liberalization Between Cold War and Cold Peace*, London, I.B. Tauris, 1994.

9-Drysdale, Alasdair and Raymond A. Hinnebush, *Syria and The Middle East Peace Process*, New York, Council on Foreign Relations, 1991.

10- برای بررسی و اطلاعات بیشتر درباره اقتصاد مصر و اصلاحات اقتصادی آن رجوع شود به:

-*Middle East Economic Digest*, Vol.42, No.16,17 (April) 1998,pp. 25-45.

11-Brand, Lauvie A, *Jordan's Inter-Arab Relations: The Political Economy of Alliance Making*, New York, Columbia University Press, 1994.

12-Karawan, Ibrahim A, *The Islamist Impasse*, Adelphi Paper 314, Oxford, Oxford University Press for The IISS, 1997.

13-Bengio, Ofra, "Iraq", in: Ayalon, Ami (ed), *Middle East Contemporary Survey*, Volume 13, Boulder, Co. Westview Press, 1991.

14-Sayigh, Yezid, *Arab Military Industry*, London, Brassey's, 1992.

15-Zisser, Eyal, *Decision-Making in Asad's Syria*, Washington Institute Policy Memorandum, Washington DC., Washington Institute for Near East Policy, February 1998.

16-Pollack, Kenneth M. *The Arabs At War: Arab Military Effectiveness Form 1945 to 1991*, Ithaca, NY: Cornell University Press, forth Coming.